

بسیج در نگاه امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره) که همیشه بر نقش مردم و اهمیت حیاتی آن در تأمین سلامت و موفقیت نظام تأکید می کردند، با درایت خاصی در آذرماه 1358، طی بیاناتی ضرورت تشکیل مدرسه عشق یا همان بسیج مستضعفان را اعلام فرمودند.



حضرت امام خمینی(ره) که همیشه بر نقش مردم و اهمیت حیاتی آن در تأمین سلامت و موفقیت نظام تأکید می کردند، با درایت خاصی در آذرماه 1358، طی بیاناتی ضرورت تشکیل مدرسه عشق یا همان بسیج مستضعفان را اعلام فرمودند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) در متنی که به مناسبت هفته بزرگداشت بسیج مستضعفان در khomeini.ir منتشر شده می‌خوانیم:

برکات این شجره و عطر دل‌ویز شکوفه‌های آن، در طی بحران‌های سال‌های اولیه انقلاب و جنگ تحمیلی و بعد از آن به سراسر مملکت اسلامی ما رسید، و فضای آن را معطر ساخت و انقلاب و جنگ را به نفع اسلام و مسلمانان به پایان رسانید؛ و این همه جز در پرتو جهان بینی و تدبیر آن پیر فرزانه و حضور نیروهای مردمی و پیوند الهی آنان با ولایت حاصل نشد.

در سخنان امام- قدس سره- سابقه بسیج به بیداری قوم بنی‌اسرائیل و قیام آن قوم بر ضد ظلم فرعون، به فرمان حضرت موسی- علیه السلام- و بسیج اصحاب پابرهنه و فقیر صُقه در برابر ظلم و غارت اشراف بت پرست مکه، به دعوت رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- و نیز اهتمام ائمه اطهار- علیهم السلام- که نگرشی الهی داشتند، و به تشویق مردم به هم پیمانی برای حل مسائل سیاسی و کاهش گرفتاری مسلمانان باز می‌گردد.

در عصر حاضر هم، بسیج مردم در جریان نهضت تحریم تنباکو و مبارزه بر ضد استعمار دولت انگلیس به فتوای مرحوم میرزای شیرازی، و قیام عده زیادی از مردم قم و ورامین و شهرهای دیگر کشور در حوادث پانزدهم خرداد سال 1342 در برابر ظلم و خیانت رژیم پهلوی، و استمرار مبارزه آنان تا سرنگونی حکومت شاهنشاهی در 22 بهمن 1357 ماهیت بسیجی دارد.

این بسیج شدن‌ها و قیام‌های معنوی مردمی، همواره خواب راحت ستمگران قدرتمند را آشفته ساخته است. مبارزه حق با باطل بر شدت کینه توزی‌های دشمنان اسلام- بویژه دشمنان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن- در عصر حاضر افزوده است. انقلاب اسلامی ایران، مستکبران جهان را سخت به وحشت افکنده، و آنان را به تکاپو واداشته، تا چندین نوبت کودتا و حمله نظامی مستقیم و انواع محاصره‌ها و در نهایت تحمیل جنگ به دست رژیم عراق برای براندازی نظام نوپای ایران را بیازمایند؛ ولی به یمن عنایت همیشگی حضرت حق و بیداری و هدایت امام راحل، بسیج ملت همیشه زنده، با استفاده از امکانات کشور، توانست مستکبران جهانی را- که با تمام قوا برای حمایت از رژیم عراق متحد شده بودند- به زانو درآورد، و ملت را مانند اولیای خدا آبرو بخشد.

مراد حضرت امام (س) از بسیج، فراتر و جامع‌تر از معانی مذکور در لغتنامه هاست، و حتی با درک اغلب مردم از بسیج به عنوان نهادی رزمی متفاوت است.

در اندیشه حضرت امام (س) بسیج یک نهادی است اجتماعی با ابعاد متعدد. در این نگرش، بسیج دیگر صرفاً سازمانی نظامی نیست که فقط در زمان جنگ و برای دفاع در مقابل دشمن شکل گرفته باشد، بلکه نهادی است وسیع و پاسخگوی نیازهای اساسی و حیاتی جامعه؛ و با اجزای دیگر نظام، چنان هماهنگی و پیوندی دارد که انفصال آن جز با انحلال جامعه اسلامی متصور نیست.

اگر بسیج را نهادی منسجم محسوب کنیم که در مقطع زمانی معینی، به ضرورتی اجتماعی پا به عرصه وجود نهاده است، طبیعی است که با رفع ضرورت، جایی برای دوام و بقای آن باقی نمی‌ماند، حتی اگر مشکل و مسأله‌ای که بسیج برای پاسخگویی به آن تشکیل شده است، مسأله‌ای اقتصادی یا فرهنگی باشد.

بسیج، در صورتی می‌تواند نهادی جامع و شامل جهات متعدد و پایدار شناخته شود که نیازهای دائمی و باورها و ارزشهای فرهنگی پدیدآورنده آن به روشنی تعریف شوند؛ این نیازها ممکن است اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا نظامی باشند. همچنان که هر فرد، خانواده یا گروهی همزمان به نیازهای متعدد زیستی، تربیتی، آموزشی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی پاسخ می‌گوید، نهاد بسیج نیز کارکردهای گوناگون دارد و به نیازهای متعدد پاسخ می‌دهد؛ چنانکه در تثبیت ابعاد سیاسی- اجتماعی

نظام و در دفاع هشت ساله، در برابر دشمنان نقش مؤثر خود را ایفا کرد.

حیثیت امروز نظام، تا حد زیادی مدیون بسیج و حضور همه جانبه مردم در آن بوده است.

حتی تصاحب قدرت جهانی اسلامی با بسیج همه جانبه و فراگیر در جهان میسر خواهد بود. به گفته امام راحل، این امر شدنی است و باید به دنبال تحقق آن بود.

سابقه بسیج در منظر امام گویای این مطلب است که ملتها در قرون و اعصار به دعوت رهبران الهی، بسیج شده‌اند تا دین خدا را زنده نگه دارند. بسیج ملتها، اعتقادی، سیاسی یا نظامی یا اجتماعی-اقتصادی یا جامع همه این صفات بوده است. وجه مشترک همه اینها سرنگونی ظلم و سلطه طاغوت و برقراری خدایپرستی و عدالت در بین انسانها بوده است. به طوری که در یک صف، بسیج و انسجام مردم و تجهیز امکانات آنان و هدایت بسیج کننده قرار داشت و در صف دیگر ظلم ظالمان و قدرت طاغوتها. اولیای خدا همواره بسیج امتها را به سمت معرفت و نورانیت هدایت کرده‌اند و آثار آن، رشد معنوی و مادی انسانها بوده است. در حالی که طاغوتها و زورمداران هر عصر کوشیده‌اند ملتها را با ارباب و تطمیع بسیج کنند و وسیله نیل به اهداف شیطانی خود سازند؛ با توجه به آنچه بیان شد، مفهوم بسیج در کلام امام در حیطه های سه گانه ذیل قابل طرح است:

1. در قلمرو اجتماعی

مفهوم بسیج در این قلمرو، همان هدایت مردم و امکانات آنان در جهت اجرای احکام است. البته در این میان، تحول مردم نقش مؤثری دارد. بسیج اجتماعی در جریان این تحول، زمینه ساز بسیج همه جانبه برای سقوط رژیم شاه، حمایت از کشاورزان در ابتدای انقلاب، رویارویی در مقابل تجاوز گسترده رژیم عراق در جنگ تحمیلی، و حمایت از اصول و مبانی جمهوری اسلامی-بویژه از طریق راهپیماییها- شده است. حضرت امام حتی ضرورت تشکیل بسیج بیست میلیونی را برای دفاع از کشور، و بسیج صد میلیونی جهانی را برای دفاع از اسلام گوشزد کرده‌اند. بنابراین، اگر بسیج را با امت اسلام و متن مردم یکی محسوب کنیم، از حقیقت دور نشده ایم. حضرت امام می فرمایند:

«شما اگر مردم نبودند، نمی توانستید این جنگ را اداره بکنید، این شک ندارد. مردم اداره کردند؛ یعنی این سپاه، مردمند؛ این بسیجیها، مردمند؛ ارتش هم امروز، مردم است.»

2. در قلمرو عبادی-سیاسی

امام راحل از نشستها و اجتماعهای عبادی-سیاسی مردم سخن گفته، و نماز جماعات و جمعه را اولین انسجام و بسیج مردمی دانسته، و اوج آن را در حج، کنگره عظیم عبادی-سیاسی مسلمانان معرفی نموده و حتی با اعلام برائت از مشرکین، به دنبال آزادسازی انرژی متراکم جهان اسلام بوده است.

بنابراین، انسجام عبادی مسلمانان در مساجد و نماز جمعه ها و کنگره بزرگ حج را مفهوم دیگر قلمرو کارکردی بسیج می دانند:

«مساجد، بهترین سنگرها و جمعه و جماعات، مناسب ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می باشند.»

3. در قلمرو عشق و عرفان

امام راحل بسیج را در قلمرو عشق و عرفان توصیف کرده، و ویژگیهای فطری نابی برای آن قائل شده‌اند. دارندگان این نوع نگرش، برای کسب رضایت معبود، آغوش خود را برای هر خطری باز می کنند و به پیشواز شهادت می روند. این دیدگاه، ما را به حقیقت حقه، بسیار نزدیک می سازد. آثار خجسته آن در جبهه های دفاع مقدس عیان گردید و بسیجیان لبریز از عشق، یک شبه ره صد ساله پیمودند؛ و در وصایای مانده از خودشان، برادران و خواهران دینی خود را به پیوستن به این قافله فراخواندند.

« بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پر ثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند.

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا

افتخارم این است که خود بسیجی‌ام.» (صحیفه امام؛ ج 21، ص 194).